

اخبار حوادث

سقوط آزاد دزد جوان در زمان فرار

گروه حوادث: سارق جوان وقتی که در حال سرقت خانه بود وقتی در برابر صاحبخانه قرار گرفت برای فرار از مسیر پنجره به بیرون از خانه فرار کرد اما از طبقه سوم به پایین پرت شد. سرهنگ مجتبی سهرابی منش، رئیس کلانتری ۱۲۷ نارمک با اعلام این خبر گفت: ساعت ۳۰:۲۰ دقیقه چهارشنبه ۱۹ دی ماه سال جاری ماجرای سقوط جوانی ۳۰ ساله از طبقه سوم یک مجتمع مسکونی در خیابان وحیدیه به پلیس مخابره شد. وی افزود: با حضور مأموران کلانتری در محل و انجام بررسی های اولیه مشخص شد مرد مصدوم که به شدت از ناحیه سر مجروح شده، قصد سرقت از یک خانه را داشته که با مراجعه صاحبخانه به خانه و مشاهده دزد جوان در خانه اش، برای دستگیری وی از مردم درخواست کمک می کند. سرهنگ سهرابی منش ادامه داد: سارق جوان در این صحنه برای فرار از مسیر پنجره به سمت پشت بام ساختمان کناری می رود که در زمان فرار از بالا به پایین سقوط می کند. وی ادامه داد: در هماهنگی با مرکز فوریت های پزشکی ۱۱۵، بلافاصله سارق جوان برای انجام اقدامات درمانی و پزشکی به بیمارستان منتقل و با توجه به شدت آسیب دیدگی ناشی از سقوط از ارتفاع تحت عمل جراحی قرار گرفته و اقدامات درمانی ادامه دارد.



قتل برادر در درگیری خونی

پسر جوان که پس از قتل برادرش پسا به فرار گذاشته بود در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شد. شامگاه چهارشنبه ۱۹ دی ماه سال جاری مأموران کلانتری ۱۲۷ امین آباد در جریان درگیری ۲ برادر در شهرک فیروزآباد قرار گرفتند. مأموران با حضور در محل درگیری مشاهده کردند که یکی از برادرها از ناحیه شکم هدف ضربه چاقو قرار گرفته و خیلی زود این جوان از سوی امدادگران اورژانس به بیمارستان فیروزآباد منتقل شد. تحقیقات ابتدایی نشان از آن داشت که برادر جوان پس از زخمی کردن برادرش از صحنه متواری شده و پا به فرار گذاشته است. تجسس های میدانی ادامه داشت تا اینکه صبح پنج شنبه مسئولان بیمارستان در تماس با مأموران کلانتری از مرگ پسر جوان خبر دادند. همین کافی بود تا با جنایی شدن این پرونده تیمی از مأموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عامل این جنایت برادر کشی وارد عمل شدند. وی اظهار داشت: ردیابی های پلیسی ادامه داشت تا اینکه ظهر پنج شنبه، کار آگاهان موفق به شناسایی مخفیگاه قاتل فراری شدند و پس از هماهنگی با مقام قضایی این جوان در مخفیگاهش دستگیر شد. بنا به این گزارش، سرهنگ علی ولی پور گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر گفت: متهم همان تحقیقات ابتدایی به قتل برادرش اعتراف کرده و تجسس های بررسی های بیشتر و انگیزه این برادر کشی ادامه دارد.



مرگ مرموز دختر کرمانی ۱۲ کیلومتری روستا

امدادگران جمعیت هلال احمر استان کرمان، جسد دختر جوان اهل ارزویه را که سه روز قبل مفقود شده بود، پیدا کردند. بنابه اعلام روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان کرمان به دنبال اعلام شدن دختر ۲۹ ساله دارای معلولیت ذهنی در روستای امردوئیه از توابع بخش مرکزی شهرستان ارزویه، شش تن نجاتگران و امدادگران شهرستان های بافت، رابر، ارزویه و تیم واکنش سریع از مرکز استان به منطقه امردوئیه اعزام شدند و به کمک اهالی روستا عملیات جستجو را آغاز کردند تا نهایتا صبح روز پنجشنبه جسد این دختر را در فاصله ۱۲ کیلومتری روستا پیدا کردند و به نیروی انتظامی تحویل دادند. خانواده این دختر اعاکار دارند که دخترشان معلولیت ذهنی داشته و شامگاه سه شنبه ۱۸ دیماه ۹۷ از منزل خارج شده و دیگر برگشته بود. بنا به این گزارش، تحقیقات تکمیلی در این پرونده مرموز ادامه دارد.



تجاوز به دختر ۱۶ ساله توسط مرد بدنساز

مریی بدنسازی یک دبیرستان در نیویورک به اتهام تجاوز به دختری ۱۶ ساله هنگام تمرینات ورزشی دستگیر و دادگاهی شد. توماس برانتون ۵۴ ساله که در کنار حرفه بدنسازی، تمرینات کشتی را نیز به دانش آموزانش یاد می داد و ۳۰ سال سابقه مربیگری داشته، در زمان دست درازی و تجاوز به دختر نوجوان دستگیر و به اداره پلیس تحویل داده شد. براساس گزارش مأموران تحقیق، مجرم تاکنون هیچ گونه سابقه جنسی نداشته است و این اولین دست درازی او به دانش آموزانش بوده است. در حال حاضر توماس با قرار وثیقه ۴ هزار دلاری از زندان آزاد شده تا جلسه دادگشای به زودی برگزار شود.

پسر نوجوان با فیلم سیاه باجگیری می کرد

دعوت شیطان از دختر ۱۷ ساله در اینستاگرام



گروه حوادث: پسر نوجوان پس از دوستی اینترنتی در اینستاگرام با یک دختر، سناریوی شومی را به اجرا گذاشت. این نوجوان پس از اجرای نقشه شیطانی اش با فیلم سیاهی که داشت دختر نوجوان را تسلیم خواسته های

اینستاگرام سرگرم دیدن صفحات دوستانش شد که ناگهان یک پیام دوستی از نسوی پسر نوجوانی به دستش رسید.

دختر نوجوان ۱۷ ساله که بارها چنین پیشنهادهایی در صفحه اینستاگرامش داشت و خیلی ها را به صفحه دوستان خود اضافه کرده بود باز هم بدون هیچ فکری و دل نگرانی ای پیام دوستی را پذیرفت. اما انگار این بار فرق داشت چرا که دختر نوجوان مرتب با پسر تازه وارد چت می کرد و خیلی زود برای بین آنها روابط صمیمی تر شد و همین شروع یک آشنایی در دنیای مجازی بود که خیلی عواقب تلخی داشت.

مدتی گذشت دختر نوجوان مرتب از سوی پسر نوجوان در اینستاگرام پیام دریافت می کرد و به نوعی دل به این پیام ها داده بود و تصور می کرد این پسر می تواند دوست خاص خوبی بوده باشد.

دختر نوجوان جواب پسر را داد و در ادامه پیام های دیگر بین دختر و پسر نوجوان ردوبدل شد و همین کافی بود تا بین این پسر و دختر نوجوان یک حس عاشقانه رقم بخورد.

ارتباط اینستاگرامی دختر و پسر نوجوان ادامه داشت و دختر نوجوان در این مدت به پسر اعتماد کرد و همه حرف ها و صحبت های او را ندیده پذیرفت تا اینکه پسر در نخستین قرار

ملاقات دختر نوجوان را به خانه شان دعوت کرد.

قرار شوم

دختر نوجوان اینستا برای رفتن به خانه پسر مخالفت کرد اما اصرار ها و چربزبانی های پسر نوجوان کافی بود تا دختر نوجوان با همه اعتمادی که به پسر اینترنتی کرده بود به خانه او برود. دختر نوجوان پای در خانه پسر نوجوان گذاشت و ابتدا همه چیز به شکل یک ملاقات و آشنایی بیشتر جلوه می کرد اما پس از دقایقی پسر با تهدید و کتک کاری دختر نوجوان را مجبور کرد تا در برابر خواسته سیاهش تسلیم شود.

دختر نوجوان التماس می کرد اما بی فایده بود و پسر نیت شوم خود را با تهدید و کتک کاری به اجرا گذاشت و پس از آن دختر نوجوان را از خانه شان بیرون کرد.

اخاذی کثیف

دختر نوجوان در حالیکه اشک می ریخت به خانه بازگشت و از ترس آبرویش سعی کرد این سناریوی تلخ را پنهان نگه دارد و با هیچ کسی در این مورد صحبت نکرد و این در حالی بود که دختر دیگر از سایه خودش هم می ترسید و دیگر نمی توانست به کسی اعتماد کند.

چند روز از این ماجرا گذشت تا اینکه پیام دیگری از سوی پسر شیطان صفت به دختر آن سال شد.

همدستی همسرش اعتراف کرد و گفت: من موجب مرگ رضا شدم اما قتل عمدی نبوده و قصد کشتن او را نداشتم.

وی توضیح داد: برای پرداخت مبلغ شیربها به پدر همسرم بدهکار بودم به همین دلیل تصمیم گرفتم برای جور کردن این پول از رضا کلاهبرداری کنم که ناخواسته موجب مرگ رضا شدم. با اظهارات این مرد همسرش به نام حکیمه نیز به اتهام معاونت در قتل بازداشت شد و آنها شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

در دادگاه

در نخستین جلسه رسیدگی به پرونده که به ریاست قاضی زالی و با حضور یک مستشار برگزار شد اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: چند سال قبل به خواستگاری حکیمه رفتم. آنها افغان بودند و رسم به دریافت شیربها داشتند. پدر او مبلغ ۲۵ میلیون تومان شیربها تعیین کرد. از آنجائیکه که به حکیمه علاقمند بودم قبول کردم و به دروغ گفتم توان پرداخت این مبلغ را دارم اما ۵ میلیون تومان بیشتر از آن را

نتوانستم بپردازم. مدتی از زندگی ما گذشت تا اینکه پدر او مایقی شیربها را خواست. از طرفی پولی در بساط نداشتم و از طرفی حاضر نبودم زندگی با حکیمه را از دست بدهم! به همین خاطر به فکر کلاهبرداری افتادم و از همسرم برای اجرای این نقشه کمک خواستم. همسرم هم به خاطر علاقه ای که به زندگی مان داشت پذیرفت مرا همراهی کند.

وی ادامه داد: رضا را می شناختم و می دانستم قصد از ادواج دارد. به همین خاطر حکیمه را به عنوان خواهرم به او معرفی کردم. بعد از چند مرتبه رفت و آمد رضا به حکیمه علاقمند شد و او را از من خواستگاری کرد. این ماجرا برابرم خیلی سخت بود اما چاره ای نداشتم. من به رضا گفتم در عوض دریافت شیربها ۲۰ میلیونی باز ادواج انها موقعم. رضا بعد از چندماه پول را به حسابم واریز کرد و بعد از آن پیگیری شروع زندگی مشترک با حکیمه شد. من هر بار بهانه ای می آوردم و دروغ جدیدی سرهم می کردم.

تازه داماد در خصوص نحوه جنایت به قضات گفت: رضا که به ماجرا مشکوک شده بود تصمیم گرفت با پسر حکیمه که گمان



می کرد پدر من است صحبت کند و همه این اتفاقات را به او بگویند. نگران آبرویم بودم. با رضادر کهریزک قرار گذاشتم تا با هم صحبت کنیم. آن روز رضا با خود روی اش آمد و من و حکیمه با موتور به محل قرار رفتیم. وقتی با هم روبرو شدیم یک بطری بنزین که از قبل آماده کرده بودم را روی ماشینش ریختم

حتی مقداری از آن را روی خودم هم پاشیده شد. با زدن فندک خودرو آتش گرفت و من و رضا هر دو به عقب پرتاب شدیم. اما شدت آتش سوزی زیاد بود و رضا گرفتار شد ولی من جان سالم به در بردم و با حکیمه سوار بر موتور فرار کردیم. هیچ گاه فکر نمی کردم پلیس

بتوانند مرا پیدا کند. من قصد کشتن مقتول را نداشتم و فقط می خواستم با سوزاندن خود رویش او را بترسانم و از تصمیمی که گرفته بود منصرفش کنم. سپس حکیمه در جایگاه ویژه ایستاد و منکر معاونت در قتل شد. زن جوان گفت: «من به اصرار شوهرم وارد این داستان شدم و مقتول را فریب دادم. من در قتل اون نقشی نداشتم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و هر دو متهم را از اتهام قتل عمد تبرئه کرد. قرار است برای این زوج به اتهام قتل شبه عمد به زودی حکم صادر شود.



تهران با تقاضای چاپ عکس متهمان خواست تا کسانیکه اطلاعاتی از مخفیگاه این ۲ کلاهبردار حرفه ای دارند با شماره ۰۲۶۳۶۵۷۷۷۸ پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران تماس گیرند.



موفق شدند تصویر دو مرد فریبکار را به دست آورند اما هیچ سرخ دیگری از مخفیگاه متهمان به دست نیامد. بنا به این گزارش، باز پرس پرونده با توجه به فراری بودن این متهمان از شعبه ششم دادسرای ناحیه ۱۰

باز پرس از مردم کمک خواست

کلاهبرداری دوم مردشیا در پایتخت

مدارک طعمه هایشان که قصد سفر به عتبات عالیات و حج عمره داشتن ناپدید شده و دفتر کارشان را بسته اند. تجسس های پلیسی ادامه داشت تا اینکه مأموران در برابر طعمه های دیگری در مناطق مرکزی و غربی پایتخت تهران قرار گرفتند و با توجه به گسترده بودن این کلاهبرداری ها تیمی از مأموران پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران برای دستگیری مردان فریبکار وارد عمل شدند.

کار آگاهان در این مرحله پی بردند دو مرد فریبکار هر با اجازه یک دفتر کاری یا مغازه شروع به تبلیغات سفر به عتبات عالیت می کنند و بعد از اینکه از طعمه هایشان پول و مدارک تهیه می کنند ناپدید شده و جای دیگری را برای اجرای نقشه شان اجاره می کنند.

کار آگاهان به کمک ۴۰ شاکی پرونده مردان فریبکار

گروه حوادث: دو مرد فریبکار با نقش پردازی برای سفر به عتبات عالیات و حج عمره از طعمه هایش پول می گرفتند و پس از مدتی ناپدید شدند. این دو مرد پول های زیادی به جیب زنداندا هیچ سرنخی از مخفیگاه آنها در دست نیست و پلیس برای به دام انداختن آنها از مردم کمک خواست.

چندی قبل چند زن و مرد با حضور در اداره پلیس تهران از گرفتار شدن در دام کلاهبرداری دو مرد فریبکار خبر دادند.

مأموران در تحقیقات ابتدایی پی بردند که دو مرد در یک دفتر خدمات مسافری شروع به تبلیغات کرده و با دادن قیمت های مناسب شروع به ثبت نام عتبات عالیات و حج عمره از مشتریان خود کرده اند.

در ادامه مشخص شد متهمان پس از گرفتن پول و